

معنی تمام اشعار فارسی نهم

درس اول ص ۱۰

معنای مصرع اول : به نام خداوندی آغاز می کنم که دو نعمت بزرگ عقل و جان را به انسان عطا کرده است زیرا فکر و اندیشه انسان نمی تواند فراتر از این برود

معنای مصرع دوم : به ذهن و اندیشه انسان ، سخنی بالاتر از این خطور نمی کند که سخنش را با نام پروردگاری آغاز کند که به انسان جان و خرد بخشیده است.

معنای مصرع سوم : خداوند متعال صاحب اسما و صفات و القاب متعدّد و آفریننده ی جاو مکان(عالم هستی) است.

معنای مصرع چهار : اوست که روزی دهنده موجودات عالم و هدایت کننده آنهاست.

معنای مصرع پنجم : خداوند متعال افلاک هفتگانه (قمر، عطارد، ناهید، خورشید، مریخ ، مشتری، زحل) و آسمان در حال حرکت را آفریده است

معنای مصرع ششم : و اوست که به خورشید و ماه و ستارگان نور و روشنی بخشیده است.

معنای مصرع هفتم : با چشمان و وجود جسمانی و مادّی نمی توان خدا را درک کرد

معنای مصرع هشتم : پس برای این کار بیهوده به چشمانت زحمت مده.

معنای مصرع نهم : انسان حتی با افکار تیزو اندیشه های باریک بین نیز نمی تواند به وجود خداوند متعال دست یابد

معنای مصرع دهم : زیرا که ذاق اقدس پروردگار فراتر از محدوده اسما و نام ها و مکان ها است. (خداوند لامکان است.)

معنای مصرع یازدهم : هیچ کسی نمی تواند خداوند متعال را آنگونه که شایسته درگاه اوست،

معنای مصرع دوازدهم : ستایش کند پس تو باید کمر بندگی و اطاعت از او به میان ببندی و در بندگی و عبادت او تلاش کنی.

معنای مصرع سیزدهم: هر کس دانش کسب کند در زندگی موفق خواهد بود
معنای مصرع چهاردهم: با کسب علم فرد پیر مانند جوانی توانا زنده خواهد بود

شعر صفحه ۱۳

بامدادی که که تفاوت نکند لیل و نهار خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار

در صبح زود اولین روز بهار که طول شب و روز آن یکسان است، رفتن به صحرا و تماشا کردن گل های زیبای -
بهار، لذت بخش است

لیل و نهار: تضاد/ بهار و نهار: جناس

توجه:

تفاوت نکردن لیل و نهار، اشاره به مساوی بودن طول شب و روز در سال دارد که دوباره اتفاق می افتد

الف) ابتدای بهار

ب) ابتدای پاییز

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

تمام پدیده های آفرینش برای آگاه کردن انسان های عارف است و اگر کسی وجود خدا را انکار کند و به خدا -
ایمان نیاورد، ذوق و احساسی ندارد

واج آرایی «د» که و به: جناس/ دل: مجازاً احساس و عاطفه

آفرینش (آفرین + ش) = مشتق/ که در مصراع دوم به معنی کسی که، ضمیر مبهم است/ همه: بدل

این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود هر که فکرت نکند، نقش بود بر دیوار

هر کسی که با این همه نقش ها و پدیده های عجیب هستی به آفریننده ی آنها نیندیشد، همانند عکس و -
تصویر روی دیوار، بی احساس و بی روح است

در و دیوار: مراعات نظیر/ دیوار وجود: اضافه تشبیهی/ بر و در: جناس

توجه:

ت « در فکرت، ضمیر نیست! بلکه مربوط به خود کلمه ی « فکرت » است »

کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح اند نه همه مستمعی فهم کند این اسرار

کوه، دریا و درختان (همه موجودات) در حال نیایش خداوند هستند، اما هر شنونده ای این راز را درک نمی - کند.

کوه و دریا و درختان: مراعات نظیر/ بیت تلمیح دارد به آیه ی چهل و چهار سوره اسراء: **إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا**

چیزی در جهان نیست مگر آن که خدارا تسبیح می کندو به پاکی می ستاید، لیکن شما تسبیح آن را نمی - فهمید. به درستی که خداصبور و آمرزنده است

خبرت هست که مرغان سحر می گویند آخر ای خفته، سر از خواب جهالت بردار؟

آیا خبر داری که پرندگان سحری به هنگام صبح می گویند: ای انسان غافل، از بی خبری و نادانی، رهاشو -

خواب، سحر و خفته: مراعات نظیر/ سر و سحر: جناس/ خواب جهالت: اضافه ی تشبیهی/ سر از خواب برداشتن: کنایه از آگاهی و بیداری

ت « در خبر، نهاد است یا به این صورت هم می آید: خبر برای تو هست (برای تو: مسند) / خفته: صفت »

تا کی آخر چو بنفشه، سرغفلت در پیش حیف باشد که تو در خوابی و نرگس، بیدار

تاکی می خواهی مانند گل بنفشه، درغفلت و نادانی به سر ببری. حیف است که تو بی خبر و غافل باشی و گل - نرگس بیدار و آگاه باشد

بنفشه و نرگس: مراعات نظیر/ چوبنفشه: تشبیه/ در و سر: جناس/ بنفشه در این بیت، نماد غفلت و سرافکندگی/ نرگس، نماد بینایی و آگاهی است/ سر غفلت در پیش گرفتن: کنایه

حیف « نقش مسندی دارد/ «ی» در خوابی، به معنی «هستی»، فعل اسنادی است »

که تواند که دهد میوه الوان از چوب؟ یا که داند که برآرد گل صدبرگ از خار؟

تنها خداوند بزرگ است که می تواند از چوب درخت، میوه های رنگارنگ و از خار، گل های سرخ زیبا پدید - آورد.

چوب مجازادرخت/ گل و خار: تضاد

هر دو مصراع، استفهام انکاری است. / صدبرگ: صفت مرکب

عقل حیران شود از خوشه زرین عنب فهم، عاجز شود از حقه یاقوت انار

عقل از زیبایی خوشه طلایی انگور، متحیر است و فهم از درک زیبایی و ظرافت های دانه های انار که مانند -
یاقوتی سرخ و ارزشمند می درخشد، ناتوان است

اضافه تشبیهی (انار به : حیران شدن عقل و عاجز بودن فهم: تشخیص/عناب و انار: مراعات نظیر/ حقه یاقوت انار
کیسه پر از یاقوت تشبیه شده است.)

پاک و بی عیب خدایی که به تقدیر عزیز ماه و خورشید، مسخر کند لیل و نهار

خداوند پاک و بی عیب با فرمان خود، تمام پدیده ها و موجودات را (ماه، خورشید و شب و روز را) مطیع خود -
کرده است

لیل و نهار: تضاد/ ماه و خورشید: مراعات نظیر/ بیت، تلمیح به آیات قرآن دارد

تا قیامت سخن اندر گرم و رحمت او همه گویند و یکی گفته نیاید ز هزار

اگر همه مردم تا روز قیامت درباره بخشش و لطف خداوند سخن بگویند، باز هم یکی از هزاران لطف و رحمت -
خداوند گفته نمی شود

تا» حرف اضافه است و قیامت، متمم/ همه، نقش نهادی دارد «

نعمتت بار خدایا، ز عدد بیرون است شکر انعام تو هرگز نکند شکرگزار

پروردگارا، نعمت های تو قابل شمارش نیست و هیچ انسان شکر گزاری نمی تواند، شکر نعمت های بی کران -
تورا به جای آورد

نعمت، شکر، انعام و شکرگزار: مراعات نظیر/ ز عدد بیرون بودن: کنایه از بی شمار بودن

ت» در نعمت: مضاف الیه/ هرگز: قید نفی «

سعدیا، راست روان، گوی سعادت بردند راستی کن که به منزل نرسد کج رفتار

ای سعدی، انسان های درست کردار، به سعادت و خوشبختی می رسند؛ بنابراین توهم انسانی صادق و راستگو -
باش، زیرا انسان بدرفتار به هدف و مقصودش نمی رسد

که و به: جناس/ گوی سعادت: اضافه تشبیهی/ گوی بردند: کنایه از دست یافتن و سبقت گرفتن

مندا و «ا»: حرف ندا/ راست روان: مرکب («ان» جمع در ساختمان اسم دخالتی ندارد.) / کج رفتار: :سعدی
(مشتق - مرکب و صفت جانشین اسم (انسان کج رفتار

ص ۲۲

معنی شعر پرواز

۱. مرغ با فروتنی از کرم پرسید: تا کی در پيله ی خویش می مانی و تا کی می بافی؟
۲. تا کی می خواهی گوشه گیر، در کنج خلوت خود باشی؟ و تا کی در زندان در بسته ی تن (پيله ی کرم ابریشم) می مانی؟
۳. کرم پاسخ داد: من در فکر رهاییم و به همین سبب به این حالت خمیده (در پيله) خلوت کرده ام و نشسته ام.
۴. هم سن و سال های من پروانه شدند و از این قفس پرواز کردند و دیدنی و زیبا شدند.
۵. من در زندان و خلوت نشسته ام تا بمیرم یا (پروانه شوم) و پر و بالی برای پریدن در آورم.
۶. اکنون مرغ خانگی چه بر سر تو آمده که هیچ تلاشی نمی کنی و پرواز نمی کنی؟
(مرغ خانگی نمی تواند پرواز کند)

ص ۲۶

بیت ۱

دوره جوانی دوره کار و شایسته بودن است دوره ی غرور و خیال بافی نیست.

بیت ۲

دوره ی جوانی مثل کالایی است که وقتی آن را از دست دادی در بازار همچین کالای گرانبهایی وجود ندارد.

بیت ۳

دوره ی جوانی را با ارزش بدان و به جز راه حقیقت و درست را جست و جو مکن زیرا فرصت یک بار است و بار

دیگر وجود ندارد

بیت ۴

از راه راست بر راه کج منحرف نشو وقتی (برای رسیدن به مقصود) در وجود دارد دیگر نیاز به (کج روی و

انحراف) دیوار نیست

بیت ۵

بردباری و تلاش را از انسانهای ازاده و جوانمرد یاد بگیر زیرا اموختن عیب و ننگ نیست

بیت ۶

تا زمانیکه در دل تو تیرگی و الودگی گناه و غفلت وجود ندارد(از فرصت استفاده کن)واز روی آگاهی و بینش(وبا چشم دل)به خود توجه کن(برای خودشناسی و پاکسازی درون از بدی ها تلاش کن)

بیت ۷

دانه و خوشه به مرور زمان تبدیل به خروار(تعداد بسیار زیاد)میشود هر خوشه که از ابتدا زیاد نیست.(مفهوم این بیت به بردباری و شکیبایی و تلاش پی در پی سفارش میکند. یادآور ضرب المثل:قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود

بیت ۸

همه ی کار روزگار درس و پند دادن است افسوس که شاگرد هوشیار و آگاهی(برای پند گیری)وجود ندارد

ص ۵۸

۱.روزی می رسد که یوسف گم شده به زادگاه خود باز گردد.پس بهتر است غم نخوری.در آن روز غم ها و اندوه های تو همه به شادابی تبدیل می گردند.پس بهتر است غمگین نباشی.

۲.ای دل رنج کشیده ،بیهوده ناراحتی به خود راه مده.مطمئن باش حالت بهتر می شود.پس وضع خود را بدتر از این مکن.این پریشان حالی و آشفتگی تو بهبود می یابد وهمه چیز به آرام وقرار ونظم خود دست پیدا می کند.

۳.اگر چرخش زمانه مدتی طبق خواسته ی ما به گردش در نیامد،ولی مطمئن باش که حال زمانه به یک شکل باقی نمی ماند پس ناراحت نباش و اندوه نخور.

۴.ای انسان!نا امید مشو.زیراتو از رازهای پنهانیخبر نداری،بدان که در عالم غیب و ملکوت سرنوشت ها و مقدرات پنهانی وجود دارد.پس ناراحت مباش و اندوه مخور.

۵.ای دل !اگر نیستی و نابودی همه جهان را از بین ببردتو نباید غمگین باشی و ادوه بخوری زیرا حضرت نوح ع کشتیبان توست و تو به او تکیه کرده ای پس تو را سالم به سر منزل مقصود می رساند.

۶.اگر هدف تو از اینکه در بیابان به حرکت در آمده ای رسیدن به کعبه و خانه ی خداست پس از رنج و دردی که در راه به آن ها گرفتار می شوی (مانند خار مغیلان)ناراحت مشو.و اندوه مخور

۷. اگرچه راه بسیار نا امن و خطرناک است و مقصد بسیار دور است ولی هیچ راهی نیست که بی پایان و بی سرانجام باشد پس ناراحت نباش و اندوه نخور.

۸. ای حافظ! تا زمانی که با تهی دستی و تنهایی و در شب های تاریک مشغول ذکر خداوند و دعا و قرائت قرآن هستی، به دلت غم راه مده اندوه نخور.

صفحه ۶۴

همی خواهیم از کردگار جهان شناسنده آشکار و نهان

معنی: از خدای بزرگ که آفریننده جهان است و پنهان و آشکار جهان را می شناسد، می خواهیم.

که باشد ز هر بد، نگهدار تان همه نیک نامی بود یار تان

معنی: خدا شما را از هر گزند و آسیب در امان نگه دارد و همیشه نیک نامی یار و یاور تان باشد.

صفحه ۶۵

ندانی که ایران، نشست من است جهان سر به سر، زیر دست من است

معنی: نمیدانی که سرزمین ایران محل زندگی و حکومت من است، سراسر جهان گسترده زیر دست من و تحت فرمانروایی من است.

همه یکدلانند، یزدان شناس به نیکی ندارند از بد، هراس

معنی: مردم ایران در هر قوم و قبیله ای که هستند، خدای یگانه را پرستش می کنند و با نیک نامی از بدی و پلیدی هراسی ندارند و یکدلند.

دریغ است ایران که ویران شود کنام پلنگان و شیران شود

معنی: حیف است که ایران از بین برود و محل زندگی پلنگ ها و شیرها شود. (محل زندگی و اشغال دشمنان گردد)

در این بوم و بر، زنده یک تن باد

چو ایران نباشد، تن من مباد

معنی: اگر قرار است ایران نباشد، من نیز نباید زنده باشم. نه تنها من، بلکه در این سرزمین کسی زنده نباشد بهتر است. (با نبود سرزمین ایران، دیگر ایرانی وجود نخواهد داشت.)

همه سر به سر، تن به کشتن دهیم از آن به که کشور، به دشمن دهیم

معنی: اگر ما یک به یک کشته شویم و در راه وطن جان افشانی کنیم و شهید شویم، بهتر از آن است که کشور عزیزمان به دست دشمن بیفتد.

ص ۶۵ و ۶۴

از خداوند وافریننده جهان که شناسنده و داننده آشکار نهان است می خواهیم که از هر بدی و آسیب نگه دار شما باشدو سراسر نیک نامی و عاقبت خوب یار و همدم شما باشد.

نمی دانی که ایران جایگاه ، وطن و محل نشست من است و جهان وهستی ، به طور کامل ، در اختیار وزیر دست من است.

همه یک دل، متحد و یزدان شناس هشتند و به خوبی و خوشی و شجاعت از بدی ترس ندارند.

بسیار حیف است که سرزمین ایران ، ویران و نابود شود و جایگاه حیوانات درنده و وحشی شود .

آرزومندم که اگر قرار باشد که ایران نابود شود ، وجود من هم از بین برود و در این سرزمین حتی یک نفر هم زنده نماند.

اگر تمام ایرانیان کشته شویم و جانمان را برای کشورمان فدا کنیم .از آن بهتر است که کشورمان رابه دست دشمن دهیم .

ص ۶۸

درس دوازدهم دور اندیشی

بیت ۱:

• کودکی از جمله آزادگان رفت برون با دو سه همزادگان
معنی: کودکی از خانواده ی انسان های نجیب و اصیل با دو سه نفر از هم سن و سالهای خودش ، برای بازی کردن ، بیرون رفت .

بیت ۲:

• پای چون در راه نهاد آن پسر پویه همی کرد و درآمد به سر
معنی: وقتی که آن پسر بچه شروع به حرکت و دویدن کرد ، با سر به زمین خورد.

بیت ۳:

• پایش از آن پویه در آمد ز دست مهر دل و مهره ی پشتش شکست
معنی: به هنگام دویدن ، کنترل خود را از دست داد و مهره ی کمرش شکست و علاقه اش به بازی از بین رفت.

بیت ۴:

• شد نفس آن دو سه هم سال او تنگ تر از حادثه ی حال او
معنی: به خاطر این حادثه (زمین خوردن آن کودک) آن دوستان هم سن و سالش ، احساس ناراحتی و اندوه می کردند.

بیت ۵:

• آن که ورا دوست ترین بود گفت در بن چاهیش بیاید نهفت
معنی: نزدیک ترین دوستش گفت: باید او را در داخل چاهی عمیق ، بیندازیم.

بیت ۶:

• تا نشود راز چو روز آشکار تا نشویم از پدرش شرمسار
معنی: تا این حادثه برای کسی آشکار نشود و ما پیش پدرش شرمنده نشویم.

بیت ۷:

• عاقبت اندیش ترین کودکی دشمن او بود از ایشان یکی
معنی: یکی از بچه هایی که دشمن او بود ، کودکی آینده نگر و زیرک بود.

بیت ۸:

• گفت : « همانا که درین همرهان صورت این حال نماند نهان »
معنی : آن کودک آینده نگر گفت قطعا این موضوع در میان این دوستان همراه ، پنهان نمی ماند.

بیت ۹ :

• چون که مرا زین همه دشمن نهند تهمت این واقعه بر من نهند
معنی : چون که از میان همه ی بچه ها ، مرا دشمن او می دانند ، پس به من بد گمان می شوند.

بیت ۱۰ :

• زی پدرش رفت و خبردار کرد تا پدرش چاره ی آن کار کرد
معنی : به سوی پدرش رفت و او را از ماجرا آگاه کرد تا این که پدرش برای آن کار ، چاره ای بیندیشد.

بیت ۱۱ :

• هر که در او جوهر دانایی است بر همه چیزش توانایی است
معنی : هرکسی که در او گوهر دانایی وجود دارد ، توانایی انجام هر کاری را دارد .

بیت ۱۲ :

• دشمن دانا که غم جان بود بهتر از آن دوست که نادان بود
معنی : دشمن دانایی که سبب غم و اندوه انسان باشد ، از دوست نادان بهتر است.

معنی شعر ۱۰۵

چشمه های خروشان تو را می شناسند موج های پریشان تو را می شناسند

۱ - چشمه های خروشان و موج های آشفته ، با تو آشنا هستند.

نکته های دستوری : چشمه های خروشان (ترکیب وصفی) /

موج های پریشان: ترکیب وصفی

واژه ی مشتق (چشمه ، خروشان، پریشان) /

پریش از مصدر پریشیدن + ان = واژه ی مشتق /

می شناسند(فعل مضارع اخباری) / آرایه : تناسب (چشمه ، موج ، خروشان)/واج آرایه(حرف ش)/
دو تشخیص داریم (چشمه ها می شناسند) و (موج ها می شناسند)/ تناسب(ریگ ، بیابان) /خروشان : پُر سر و
صدا / پریشان : آشفته /

منظور از چشمه‌های خروشان و موج‌های پریشان انسان‌های آزاده، پاک و
صادق هستند

پرسش تشنگی را تو آبی، جوابی ریگ های بیابان تو را می شناسند
۲- تو برای انسان های تشنه ی معرفت ، همانند آب ارزشمندی هستی که آن ها را سیراب می کند.ریگ های
بیابان هم ارزش تو را می داند. /

آرایه : تشبیه(مانند آب و جواب هستی) /

تضاد (تشنگی و آب)/تناسب(تشنگی و آب)/

تشخیص(ریگ ها تو را می شناسند)/ پرسش تشنگی(استعاره مکنیه)/

ریگ‌های بیابان(ترکیب اضافی) / منظور شاعر از ریگ‌های بیابان همان انسان‌های دردمند هستند. / نکته
دستوری : مشتق(پرسش،تشنگی) /

پرسش : اسم مصدر از مصدر پرسیدن / تشنگی: تشنه بودن، واژه معنی مصدری می‌دهد، پسوند (ی) مصدری
است. / «ی» در آب و جواب ، اسنادی به معنی «هستی» است./ را در مصراع اول به معنی «برای» حرف اضافه
است و در مصراع دوم ، نشانه ی مفعولی

نام تو رخصت رویش است و طراوت زین سبب برگ و باران، تو را می شناسند

۳- ای امام رضاع) نام تو اجازه ی رویدن و شادابی است به این علت تمام گیاهان و قطره های باران تو را می
شناسند.(گیاهان و قطره های

باران ، شادابی خود را از تو گرفته اند.)/ رخصت: اجازه ، دستور/

رویش : رویدن/ طراوت : شادابی ، تازگی ، نشاط/ زین سبب : به این علت /

آرایه : تناسب(رویش ، برگ ، طراوت ، باران) / تشخیص(برگ و باران تو را می شناسند)/ باران(نمادپاکی) / در این بیت آرایه ی « حُسن تعلیل » دیده می شود. / نکته دستوری : مشتق(رویش و باران) / رویش(ازمصدر روییدن)/ زین سبب(قید) / (زین : مخفف ازاین)

هم تو گل های این باغ را می شناسی هم تمام شهیدان تو را می شناسند
۴- ای امام رضا(ع) ، تو همه ی انسان های خوب و شایسته ی این جهان را می شناسی و تمام شهیدان هم ، وجود پاک تو را درک کرده اند. /
آرایه : گل (استعاره از انسان های پاک و خوب) / باغ(استعاره از دنیا) /
تناسب(گل و باغ) / نکته ی دستوری : « را » در مصراع اوّل و دوم ، نشانه ی مفعولی است. / «هم» به معنی همچنین قید تاکید است. /
این باغ: یک ترکیب وصفی / (این) صفت اشاره /

می شناسی (مضارع اخباری) / تمام شهیدان : گروه نهادی /
تو : ضمیر شخصی جدا ، مفعول جمله

اینک ای خوب! فصل غریبی سرآمد چون تمام غریبان تو را می شناسند

۵- ای امام خوب ما ، اکنون زمان غریبی و تنهایی به پایان رسید ، چون که تمام انسان های غریب و بیگانه ، تو را می شناسند.

مفهوم کلی بیت : امام رضا(ع) برای همه ، آشنا و دوست داشتنی است. /

اینک : اکنون / فصل : زمان / غریبی : نا آشنا ، بیگانه /

سرآمد : به پایان رسید / آرایه : خوب : مجازاً امام رضا(ع)/

اضافه ی تشبیهی(فصل غریبی)/کنایه (سر آمدن)/

تناسب(عبور،کوچه)/ تناسب(غریب و می شناسند) /

نکته ی دستوری : کل این بیت ، یک جمله ی «غیرساده»

است : فصل غریبی سر آمد ، جمله ی هسته(پایه)، مصراع دوم ،

جمله ی وابسته(پیرو)/ «ی» در غریبی (مصدری) /

غریبی (واژه ی مشتق)/ سرآمد (فعل مرکب)

اینک: قید زمان / ای خوب: شبه جمله، خوب ، صفت جانشین اسم ،

منظور امام رضا(ع) / چون: به معنی (زیرا) حرف پیوند است.

کاش من هم عبور تو را دیده بودم کوچه های خراسان تو را می شناسند

۶- ای کاش ، آن زمانی که از خراسان عبور می کردی من هم بودم و

مانند مردم خراسان حضور تو را درک می کردم./ آرایه : کوچه های

خراسان (مجازاً مردم خراسان)/ تشخیص(کوچه های خراسان تو را

می شناسند) تلمیح (به سفر امام رضا(ع) به نیشابور) /

نکته دستوری : دیده بودم(ماضی بعید) / کوچه(واژه ی ساده) /

کاش(شبه جمله)

: معنی شعر صفحه ۱۰۶

۱.بارسیدن زمان تولد حضرت مهدی {عج} گویی بهار جان بخش از راه رسید و جان ها زنده شدند. پس از جای خود بلندشو زیرا عید عارفان و عاشقان از راه رسید

۲:با لباس مخصوص عارفان و درویشان آرام و ساکت در گوشه ای منشین به پا خیز زیرا جهان از نو زنده شده است

۳:گلستان از شادی طرب پراز گل های لاله شده است زیرا پادشاه زمین و آسمان از راه رسیده است

۴: آماده باش که مطابق فرمان او باشی و به هوش که نجات بخش تمام هستی از راه رسید

ص ۱۱۸

بود قدر تو افزون از ملایک

*دلی دارم که خریدار محبت است و بازار محبت به خاطر او رونق دارد
*لباسی برای دل دوختم که پود پارچه اش از رنج و تار ان از محبت است
*درد و درمان و وصل و هجران من همه بخاطر وجود یار است
*اگر قصاب پوست تنم را بکند باز هم جانم از جان یار جدا نمی شود
*گاهی از قبرستان گذشته ام و قبر انسان های ثروتمند و فقیر را دیده ام
*نه فقری بدون کفن خاک شده و نه ثروت مند توانسته با خود بیش از یک کفن برده
*ای دل از خداوند غافل چه فایده دارد؟ فرمان بر نفس خود و شیطان هستی چه فایده دارد
*ارزش تو از فرشتگان بیش تر است اما تو ارزش خود را نمی دانی چه فایده دارد
*کاری نکن که دچار مشکل و سختی شوی و دنیا با این گسترده ای به نظرت تنگ و ناراحت بیاید
*وقتی فردا قیامت فرا رسد و فرشتگان نامه اعمال تو را خواندن تو از دیدن کارهایت خجالت زده می شوی

ص ۱۴۶

۱- بیایا تمام وجود خداوند را پرستش کنیم
زیرا بعد از مرگ فرصت چنین کاری رانداریم

۲- ای پروردگار بخشنده باروزی تو پرورش یافته ایم
و به لطف و بخشش تو عادت کرده ایم

۳- تو ما را در دنیا عزیز و گرامی داشتی
و در جهان آخرت نیز همین چشم را داشته باش

۴-خدایا بالطف و مهربانی خود بپزیر
واز درگاهت دورنکن زیرا من غیر ار درگاه تو درگاه دیگری ندارم

۵-خدایا نور بصیرت و ایمنی را در برابرم قرار ده
مرا از انجام کارهای ناشایست دور کن

۶-خدایا مرا با خواری و پستی از درگاهت دورنکن زیرا هیچ درگاهی جز درگاه تو برای رمن قابل تصوّر نیست